

مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران / دوره ۹، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۹: ۶۹۳-۷۱۷

شرایط تأثیرگذار بر وضعیت زندگی زنان سرپرست خانوار در ایران و راهکارهای کاهش آسیب‌ها^۱

^۲ شهره روشنی

^۳ مریم تافته

^۴ زهره خسروی

^۵ فاطمه خادمی

تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۱/۲۳

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۴/۱۱

چکیده

افزایش آمار زنان سرپرست خانوار و به تبع آن آسیب‌ها و مشکلات آنان در سال‌های اخیر از مهم‌ترین تغییرات جامعه ایران در حوزه زنان و خانواده است. این مسئله موضوع زنان سرپرست خانوار را به مقوله‌ای جدی برای پژوهش تبدیل کرده است؛ تا آنجا که پژوهش‌های بسیاری در این حوزه انجام شده است. هدف پژوهش حاضر شناسایی شرایط تأثیرگذار بر وضعیت زندگی زنان سرپرست خانوار و ارائه راهکارهایی برای کاهش آسیب‌پذیری و بهبود وضعیت زندگی این زنان است. برای این منظور با فراتحلیل ۱۱۰ اثر پژوهشی شامل مقالات علمی-پژوهشی، پایان‌نامه‌های تحصیلات تکمیلی و طرح‌های پژوهشی در بازه زمانی ۱۳۸۵-۱۳۹۸، متغیرهای بررسی شده در پژوهش‌های منتخب در دو دسته شرایط مؤثر بر افزایش و کاهش مطلوبیت وضعیت زندگی زنان سرپرست خانوار تقسیم‌بندی شدند. شرایط مؤثر بر کاهش مطلوبیت وضعیت زندگی زنان سرپرست خانوار شامل نداشتن امنیت اقتصادی، وضعیت نامطلوب اشتغال، تحصیلات کم، فشار نقش‌های شغلی و خانوادگی، وضعیت نامطلوب سلامت جسمانی، وضعیت نامطلوب سلامت روانی، وضعیت نامطلوب امنیت و سلامت اجتماعی، وضعیت نامطلوب روانی فرزندان، طرد اجتماعی و چالش‌های عملکردی سازمان‌های مسئول است. همچنین توانمندی اقتصادی، آموزش‌های توانمندسازی شغلی، آموزش‌های توانمندسازی روان‌شناختی، آموزش‌های عمومی، خدمات مشاوره‌ای، حمایت خانواده، حمایت‌های اجتماعی، سرمایه اجتماعی و امنیت اجتماعی به عنوان شرایط مؤثر بر افزایش مطلوبیت وضعیت زندگی زنان سرپرست خانوار شناسایی شدند. همچنین بر مبنای شرایط اثرگذار مستخرج از پژوهش‌های مورد بررسی، راهکارهایی در ۹ محور توان‌افزایی اقتصادی، شغلی، جسمانی، روانی، فرهنگی، اجتماعی، حقوقی، فرزندان و سازمانی با هدف کاهش آسیب‌ها و بهبود وضعیت زندگی زنان سرپرست خانوار پیشنهاد شده است.

واژه‌های کلیدی: راهکارها، زنان سرپرست خانوار، شرایط اثرگذار، فراتحلیل.

۱. مقاله حاضر از طرح پژوهشی با عنوان «فراتحلیل پژوهش‌های حوزه زنان سرپرست خانوار طی ده سال گذشته (با تأکید بر راهکارهای کاهش آسیب‌ها)» که در سال ۱۳۹۷ با حمایت مالی معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری انجام شده، استخراج شده است.

۲. استادیار گروه مطالعات علوم اجتماعی و توسعه پژوهشکده زنان دانشگاه الزهرا (س)، (نویسنده مسئول)
sh.rowshani@alzahra.ac.ir

۳. کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه الزهرا (س)، maryamtafte@gmail.com

۴. استاد گروه روان‌شناسی دانشگاه الزهرا (س)، Z.khosravi@alzahra.ac.ir

۵. کارشناس ارشد مدیریت دانشگاه الزهرا (س)، fkhademi35@gmail.com

مقدمه و طرح مسئله

از مهم‌ترین تغییرات جامعه ایران در حوزه زنان و خانواده، افزایش آمار زنان سرپرست خانوار است. نسبت خانوارهایی که زنان، سرپرست آن‌ها هستند به کل خانوارهای کشور در سال ۱۳۶۵ برابر با ۷/۱ درصد بوده است. این آمار در سال ۱۳۷۵ به ۸/۴ درصد رسیده و روند فزاینده رشد خانوارهای زن سرپرست همچنان ادامه یافته است. تا آنجا که این رقم در سال ۱۳۸۵ به ۹/۵ درصد و با رشدی سریع در سال ۱۳۹۰ به ۱۲/۱ درصد رسیده است. براساس آخرین سرشماری مرکز آمار ایران در سال ۱۳۹۵، نسبت خانوارهای زن سرپرست به کل خانوارهای کشور ۱۲/۷ درصد بوده است (قربانی و همکاران، ۱۳۹۸: ۶۱-۶۲). بدیهی است علاوه بر این نسبت، تعداد این خانوارها نیز در طول زمان افزایش یافته است. از دلایل این موضوع می‌توان به افزایش تمایل به تشکیل خانوارهای تک‌نفره، افزایش نرخ طلاق، ازدواج نکردن مجدد زنان بی‌همسر به دلیل طلاق یا فوت همسر، اعتیاد و مهاجرت سرپرست خانوارها اشاره کرد (علی‌اکبری صبا، ۱۳۹۶: ۱۰).

آمار زنان سرپرست خانوار، تا حدی بر آمار آسیب‌های اجتماعی از قبیل نرخ طلاق، نرخ جرائم اجتماعی، تعداد زندانیان، اعتیاد و ازهم‌گسیختگی خانواده وابسته است. افزایش این آسیب‌ها در سطح جامعه به افزایش تعداد این دسته از زنان منجر می‌شود. در مجموع می‌توان گفت مقوله زنان سرپرست خانوار نقطه‌ای کانونی است که هم از دیگر آسیب‌ها به شکل مستقیم و غیرمستقیم تأثیر می‌پذیرد و هم می‌تواند زمینه‌ساز و تقویت‌کننده آسیب‌های دیگر باشد (دغاقله و کلهر، ۱۳۸۹: ۲۲۷). افزایش تعداد خانوارهای زن سرپرست را می‌توان مسئله‌ای اجتماعی تلقی کرد؛ زیرا سرپرستی خانوار مستلزم تأمین منابع مالی و معنوی اعضای خانواده است. براساس تقسیم کار جنسیتی رایج نقش سرپرستی برعهده مردان است و زنان از ابتدا برای ایفای این نقش آموزش داده نشده‌اند و در عوض از الگو و اصول جنسیتی رایج برای زنان پیروی کرده‌اند؛ بنابراین در شرایطی که تقسیم کار جنسیتی، به هر دلیلی کارایی خود را از دست دهد، زنان با موقعیت دشواری مواجه می‌شوند که سبب افزایش آسیب‌های اجتماعی، روان‌شناختی و جسمانی در آن‌ها می‌شود. مهم‌ترین مشکل قرارگرفتن در این موقعیت، ایفای نقش‌های دوگانه داخل و خارج از خانه است. ایفای نقش مادری، رسیدگی به امور منزل و خانه‌داری، تلاش برای کسب فرصت‌های شغلی مناسبی که در بیشتر اوقات بسیار نادر است و

انجام فعالیت‌های اقتصادی - چه در سطح کارهای خدماتی و پاره‌وقت و چه در سطح کارمندی و بالاتر - موجب ایجاد فشار خواهد شد که می‌تواند تأثیرات شدید و بلندمدتی بر جسم و روان این زنان باقی بگذارد. به این شرایط باید نابرابری دستمزد میان زنان و مردان در موقعیت‌های شغلی مشابه را نیز افزود. زنان سرپرست خانوار با وجود تعدد نقش و اجرای وظایف دوگانه، دستمزد کمتری از مردان دریافت می‌کنند. این شرایط با تأثیر منفی بر امکانات و فرصت‌های در دسترس این زنان، چرخه نابرابری و فقر را امتداد می‌دهد (احمدنیا و کامل قالیباف، ۱۳۹۶: ۱۰۶). همچنین به دلیل فرصت‌های شغلی کمتر (مونتویا و تیکسیرا، ۲۰۱۷: ۱۰۳۷)، دسترسی محدود به بازارهای اعتباری رسمی و غیررسمی و سایر ابزارهای مدیریت ریسک، بیشتر در معرض فقر قرار دارند (کلزن، ۲۰۱۵: ۳۶).

مطالعات مختلف نشان‌دهنده افزایش شیوع فقر در میان زنان سرپرست خانوار در سطح جهان است (مواوودا و نیاوکه، ۲۰۱۵)؛ بنابراین دلایل فراوانی وجود دارد که براساس آن‌ها می‌توان زنان سرپرست خانوار را جزء اقشار آسیب‌پذیر در نظر گرفت. از جمله این دلایل می‌توان به مشکلات خانوادگی، مانند مراقبت و پرورش فرزندان، استرس ناشی از کار بیش‌ازحد، احساس ناامنی اجتماعی (دار و سینگ، ۲۰۱۸: ۱۵۵)، ناامنی غذایی (دونگا، ۲۰۲۰: ۶۶؛ منگشا، ۲۰۱۷: ۲۵۹؛ تیسیگوا و همکاران، ۲۰۱۵: ۶)، فقر، وضعیت اقتصادی نامناسب و مشکلات اجتماعی و فرهنگی این زنان و خانواده‌های آنان اشاره کرد که زنان را در زندگی واقعی تهدید می‌کند؛ زیرا فشارهای ناشی از فقر و تنگدستی و نیاز شدید، ناتوانی در تأمین نیازهای اولیه و پذیرش سلطه دیگران، زمینه‌های وقوع جرم و بزهکاری را در آن‌ها فراهم می‌کند (افشانی و فاتحی، ۱۳۹۵: ۲۱).

آسیب‌پذیری زنان سرپرست خانوار و افزایش آمار آنان، مسئله زنان سرپرست خانوار را به موضوعی جدی برای پژوهش تبدیل کرده و افزایش پژوهش‌ها در این حوزه را به دنبال داشته است، اما پژوهش‌های موجود کمتر به ارائه راهکارهای جامع و همه‌جانبه در زمینه‌های اقتصادی، شغلی، جسمانی، روانی، فرهنگی، اجتماعی، حقوقی و سازمانی، با هدف کاهش آسیب در زندگی زنان سرپرست خانوار پرداخته‌اند؛ از این‌رو هدف پژوهش حاضر شناسایی شرایط تأثیرگذار بر وضعیت زندگی زنان سرپرست خانوار به کمک فراتحلیل پژوهش‌های انجام‌شده در این زمینه و ارائه راهکارهای همه‌جانبه برای کاهش آسیب‌پذیری و بهبود وضعیت زندگی زنان

سرپرست خانوار است؛ از این رو علاوه بر فراهم کردن امکان شناخت جامع‌تر شرایط مؤثر بر وضعیت زندگی زنان سرپرست خانوار برای سیاست‌گذاران، برنامه‌ریزان و مجریان این عرصه، راهکارهای مؤثر با هدف بهبودبخشی وضعیت زندگی زنان سرپرست خانوار نیز ارائه می‌شود.

مبانی نظری

براساس تعریف مرکز آمار ایران، سرپرست خانوار عضوی از خانواده است که اعضای خانوار وی را به این عنوان معرفی کنند. در مواردی که این اعضا نتوانند سرپرست خانوار را معرفی کنند، مسن‌ترین عضو خانوار به‌عنوان سرپرست شناخته می‌شود. در غیر این صورت، سرپرست خانوار براساس اظهار پاسخگو تعیین می‌شود که لزوماً مسن‌ترین عضو خانوار نیست و می‌تواند مرد یا زن باشد. با توجه به این تعریف، در خانوارهای تک‌نفره، همان فرد سرپرست خانوار به‌شمار می‌آید. سرپرست خانوار معمولاً مسئولیت تأمین تمام یا بخشی از هزینه‌های خانوار یا تصمیم‌گیری درباره نحوه هزینه‌کردن درآمدهای خانوار را برعهده دارد. براساس این تعریف خانوارهای زن‌سرپرست، خانوارهایی هستند که در آن‌ها زن سرپرستی و مسئولیت اداره خانوار را برعهده دارد. برحسب وضعیت زناشویی می‌توان این خانوارها را به چهار گروه شامل خانوارهای زن‌سرپرست با سرپرستان هرگز ازدواج‌نکرده، خانوارهای زن‌سرپرست با سرپرستان بی‌همسر به‌دلیل طلاق، خانوارهای زن‌سرپرست با سرپرستان بی‌همسر به‌دلیل فوت همسر و خانوارهای زن‌سرپرست با سرپرستان دارای همسر تقسیم کرد (علی‌اکبری صبا، ۱۳۹۶: ۱۰-۱۱). همچنین در یک دسته‌بندی، خانوارهای زن‌سرپرست براساس کمیت و کیفیت حضور همسر به سه گروه عمده تقسیم شده‌اند: گروه اول خانوارهایی هستند که در آن‌ها مرد به‌طور دائمی حضور ندارد و زنان به‌دلیل فوت همسر یا طلاق، بیوه شده‌اند یا دخترانی که ازدواج نکرده و تنها زندگی می‌کنند، سرپرست هستند؛ گروه دوم خانوارهایی را شامل می‌شود که مرد به‌طور موقت و به‌دلیل مهاجرت، مفقودالاثربودن، متواری یا زندانی‌بودن، سربازبودن و غیره غایب است و زنان مجبورند به تأمین معاش خود و در مواردی فرزندان‌شان بپردازند. گروه سوم خانوارهایی هستند که مرد در آن‌ها حضور دارد، اما به‌دلیل بیکاری، ازکارافتادگی، اعتیاد، سربازبودن و غیره نقشی در امرار معاش ندارد و زنان مسئولیت زندگی خود و در مواردی فرزندان‌شان را برعهده دارند (نازک‌تبار و ویسی، ۱۳۸۶: ۹۸).

دیدگاه‌های مختلفی درباره زنان سرپرست خانوار وجود دارد که مرور این دیدگاه‌ها به فهم مقوله‌های مورد پژوهش کمک خواهد کرد؛ از این رو در این بخش به‌طور مختصر به رویکردها اشاره شده است، اما نظریه خاصی به‌عنوان مبنا و چارچوب مدنظر نیست؛ زیرا آنچه به آن توجه می‌شود، فراتحلیل پژوهش‌های حوزه زنان سرپرست خانوار به‌منظور شناسایی شرایط اثرگذار بر وضعیت زندگی این زنان و ارائه راهکارهایی برای کاهش آسیب‌هاست.

یکی از نظریه‌ها در حوزه زنان سرپرست خانوار، نظریه زنانه‌شدن فقر یا آسیب‌پذیری زنان سرپرست خانوار است. این نظریه بر تبعیض جنسیتی تأکید دارد و آسیب‌ها و رفتاری‌های زنان را ناشی از موقعیت پایین‌تر زنان در مقایسه با مردان جلوه می‌دهد. در این نظریه، بر شرایط حاکم بر زندگی خانواده‌های زن‌سرپرست، از قبیل سطح پایین سواد، سطح پایین دسترسی به منابع و دارایی‌ها، سطح پایین دسترسی به افراد و نهادهای حمایتی، سوءاستفاده جنسی و آسیب‌پذیری در سطح جامعه و خانواده، دسترسی نداشتن به فرصت‌های شغلی برابر با مردان، دستمزدهای کمتر و مسئله فقر زمانی تأکید می‌شود.

براساس نظریه ساختی-کارکردی، آسیب‌ها و مشکلات زنان سرپرست خانوار به‌خاطر زن‌بودن آنان نیست، بلکه به این دلیل است که خانواده‌های زن‌سرپرست از حالت طبیعی، یعنی ایفای نقش فعال زن و مرد در زندگی خارج شده‌اند و خانواده دچار کژکارکردی و انواع آسیب‌ها شده است.

نظریه طبقاتی و ناتوانی دولت، عامل اصلی رفتاری و مشکلات زنان سرپرست خانوار را طبقه اجتماعی آنان می‌داند؛ به این معنا که زن به‌عنوان سرپرست خانوار عامل بروز مشکل یا آسیب نیست، بلکه نگاه طبقاتی به افراد مختلف چنین مشکلاتی را برای آن‌ها به‌وجود می‌آورد. بر مبنای نظریه کنش متقابل، هیچ قانون و قاعده عامی نمی‌توان درباره آسیب‌پذیری زنان سرپرست خانوار بیان کرد؛ زیرا در این حالت واکنش فردی یا جمعی آنان به تغییر و بهبود شرایطشان نادیده گرفته می‌شود.

در نظریه جامعه‌شناسی زندگی روزمره، به جریان گذران زندگی روزمره اهمیت داده می‌شود. اهمیت این نظریه به این دلیل است که بیشتر از تجارب خود زنان سرپرست نشئت می‌گیرد و امکان بیشتری برای نزدیک‌شدن به‌نوعی نظریه‌پردازی ایرانی از وضعیت زنان سرپرست خانوار در طی زمان فراهم می‌کند. مطالعه این نظریه‌ها نشان می‌دهد، هریک از این نظریه‌ها تنها به

توضیح و تبیین بخشی از وضعیت زنان سرپرست خانوار می‌پردازند و هیچ‌کدام تحلیل جامعی در این زمینه ارائه نمی‌دهند؛ بدین ترتیب توجه هم‌زمان به نظریه‌های فوق به درک جامع‌تر آسیب‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، خانوادگی و روانی زنان سرپرست خانوار و همچنین مشکلات و آسیب‌های خاص گروه‌های مختلف این زنان برحسب مشخصه‌ها و جایگاه اجتماعی آنان کمک می‌کند (دربان آستانه و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۷۲).

پیشینه پژوهش

با وجود پژوهش‌های فراوان در حوزه زنان سرپرست خانوار، در زمینه فراتحلیل مطالعات انجام‌شده در این حوزه پژوهش‌های محدودی انجام شده است. پژوهش صادقی (۱۳۸۸) که به‌نوعی فراتحلیل آسیب‌های اجتماعی و فردی زنان سرپرست خانوار بوده است، نشان می‌دهد آسیب‌های اقتصادی، از جمله کمبود درآمد، نداشتن شغل مناسب، بهره‌مند نبودن از مسکن مناسب و فقر مهم‌ترین مسئله‌ای است که زنان سرپرست خانواده با آن مواجه هستند. یکی دیگر از آسیب‌ها، آسیب‌های اجتماعی مانند نگرش منفی دیگران، داشتن نقش‌های چندگانه، انزوایی، از دست دادن امنیت و اعتبار اجتماعی است. زنان سرپرست خانوار در مقایسه با دیگر زنان با اختلال‌های روان‌شناختی مانند افسردگی، اضطراب، انزوا و شکایت‌های جسمانی بیشتری مواجه هستند که این اختلال‌ها ناشی از فقر، درآمد ناکافی، نداشتن حمایت اجتماعی و نگرش منفی اجتماعی است. همچنین به‌دنبال آسیب‌ها و مشکلات فوق، شرایطی به‌وجود می‌آید که به بدرفتاری زنان سرپرست خانوار با کودکان خود منجر می‌شود. وجود نگرانی درباره آینده فرزندان، وضعیت تحصیل و ازدواج آنان نیز از مشکلات خانوادگی دیگری است که این زنان با آن مواجه هستند.

دغاقله و کلهر (۱۳۸۹) در پژوهش خود به فراتحلیل پانزده پژوهش طی دهه ۱۳۷۵-۱۳۸۵ پرداختند. نیمی از پژوهش‌ها پیمایشی بوده و ۳۵ درصد آن‌ها به مقایسه زنان سرپرست خانوار و عادی پرداخته‌اند. پژوهش‌ها به‌طور عمده بر سه موضوع مشکلات معیشتی و اقتصادی، آسیب‌ها و مشکلات روحی و روانی و راهکارهای توانمندسازی زنان سرپرست خانوار متمرکز بوده‌اند. براساس نتایج، دلیل سرپرستی حدود ۴۰ درصد از زنان سرپرست خانوار، طلاق و متارکه است. فقر و محرومیت زیاد در میان زنان سرپرست خانوار وجود دارد و درآمدهای بخش قابل توجهی از آنان بر مستمری‌های بسیار اندک، کمک‌های دیگران و مشاغل سطح پایین با دستمزدهای کم

متکی است. نداشتن مهارت شغلی، پایین بودن سطح سواد و تسلط نداشتن به مهارت‌های زندگی اجتماعی از مهم‌ترین عواملی هستند که سبب ناتوانی زنان سرپرست خانوار می‌شوند. این زنان عمدتاً زنان خانه‌داری هستند که تحت فشار وضعیت خود مجبورند مسئولیت خانواده را عهده‌دار شوند و فشار شدید شرایط اقتصادی را تحمل کنند. همچنین بخش زیادی از آنان در منازل استیجاری زندگی می‌کنند و تنها بخش اندکی از آن‌ها در منازل شخصی هستند.

بر اساس یافته‌های پژوهش قربانی و همکاران (۱۳۹۸)، که با بررسی ۳۷ پایان‌نامه و ۴۲ مقاله علمی-پژوهشی انجام‌شده در بازه زمانی ۱۳۸۰-۱۳۹۵ صورت گرفت، پژوهش درباره مسائل زنان سرپرست خانوار از سال ۱۳۸۹ افزایش یافته و بیشترین تعداد پژوهش‌ها به سال‌های ۱۳۹۲ و ۱۳۹۳ مربوط بوده است. از میان مسائل گوناگون، چهار مسئله اجتماعی و فرهنگی، مسائل اقتصادی و شغلی، توانمندسازی زنان سرپرست خانوار و سنجش اثربخشی اقدامات و مداخلات بیشتر تکرار شده‌اند. پژوهش‌های انجام‌شده با رویکردهای نظری گوناگونی صورت گرفته‌اند. در این میان، برخی تلاش کرده‌اند از نظریه‌های گوناگون در این حوزه استفاده کنند و چارچوب نظری ترکیبی برای پژوهش خود شکل دهند. در این میان، نظریه‌های زنانه‌شدن فقر، توانمندسازی و حمایت اجتماعی پرتکرارترین نظریه‌ها در پژوهش‌های بررسی شده بوده‌اند. روش بیشتر پژوهش‌ها، پیمایشی بوده و پس از آن از روش‌های کیفی و تحلیل ثانویه استفاده شده است. بیشترین فراوانی نیز پس از پیمایش به روش گراند تئوری مربوط بوده و پس از آن تحلیل تماتیک مطرح شده است. همچنین بر اساس پژوهش‌ها، حمایت اجتماعی بر سلامت اجتماعی، توانمندسازی زنان سرپرست خانوار و کیفیت زندگی آنان تأثیر مثبتی داشته است.

مطالعات میدانی پیشین درباره زنان سرپرست خانوار نشان می‌دهد، خانواده‌های زن سرپرست، دچار آسیب‌ها و مشکلات مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، روحی، جسمی و غیره هستند؛ بنابراین اجرای پژوهشی بر مبنای مطالعات تجربی با هدف بررسی شرایط اثرگذار بر وضعیت زندگی زنان سرپرست خانوار و آسیب‌هایی که با آن مواجهند ضروری است. با توجه به لزوم ارائه راهکار اجرایی به‌منظور حل هر مسئله اجتماعی پس از شناخت آن، پژوهش حاضر با انتخاب ۱۱۰ پژوهش انجام‌شده طی سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۹۸، پس از توصیف و بررسی ویژگی‌های پژوهش‌های پیشین و با تحلیل نتایج پژوهش‌های این حوزه، به شناسایی شرایط اثرگذار بر وضعیت زندگی زنان سرپرست خانوار پرداخته و راهکارهایی را برای کاهش و رفع

مشکلات و افزایش مطلوبیت وضعیت زندگی این زنان ارائه کرده است؛ بنابراین وجه تمایز فراتحلیل حاضر با سه فراتحلیل پیشین، شناسایی همه‌جانبه شرایط اثرگذار بر وضعیت زندگی زنان سرپرست خانوار براساس مطالعات تجربی پیشین و ارائه راهکارهایی برای کاهش آسیب‌ها در این حوزه است.

روش پژوهش

هدف پژوهش حاضر، جمع‌بندی و تحلیل نتایج پژوهش‌های مرتبط با زنان سرپرست خانوار در ایران در بازه زمانی ۱۳۸۵-۱۳۹۸ بوده است تا با شناسایی شرایط اثرگذار بر وضعیت زندگی زنان سرپرست خانوار براساس مطالعات پیشین، راهکارهایی برای کاهش مشکلات و آسیب‌هایی که این زنان با آن مواجهند ارائه شود. برای رسیدن به این هدف، از روش فراتحلیل کیفی استفاده شده است. فراتحلیل کیفی نه تنها نظریه‌ها، روش‌ها و نتایج پژوهش‌های مختلف را یکپارچه می‌کند، بلکه تفسیر ژرفی از موضوع مدنظر ارائه می‌دهد. در فراتحلیل‌های کیفی از آمار نیز استفاده می‌شود، اما هدف آن، مشخص کردن فراوانی‌ها و ترسیم نمودارها برای نمایش نتایج است. تفاوت فراتحلیل کیفی با فراتحلیل کمی این است که در فراتحلیل کیفی، نقش تفسیر برجسته‌تر بوده و پژوهشگر تنها به توصیف آماری و کمی داده‌های پژوهش نمی‌پردازد، بلکه تلاش می‌کند پژوهش‌های انجام‌شده را تفسیر و تحلیل کند (شیرکوه محمدی و همکاران، ۱۳۹۵: ۹۱). براین اساس در این پژوهش که برای ارائه راهکارهای کاهش مشکلات و آسیب‌های زنان سرپرست خانوار، شرایط اثرگذار بر وضعیت زندگی آنان براساس پژوهش‌های علمی شناسایی شده، از فراتحلیل کیفی استفاده شده است.

جامعه آماری پژوهش حاضر، همه پژوهش‌های مرتبط با زنان سرپرست خانوار در بازه زمانی ۱۳۸۵-۱۳۹۸ در ایران در قالب مقالات علمی-پژوهشی، پایان‌نامه‌های تحصیلات تکمیلی و طرح‌های پژوهشی بوده است. با در نظر گرفتن ملاک‌های اعتبار علمی از قبیل داشتن بیان مسئله و پرسش‌های مناسب، تناسب روش استفاده‌شده با پرسش‌های پژوهش، روش نمونه‌گیری مناسب، شیوه صحیح تحلیل داده‌ها و گزارش یافته‌ها و نتایج، ۱۱۰ اثر پژوهشی برای فراتحلیل انتخاب شد. در مرحله بعد، اطلاعات هر اثر در قالب یک جدول استخراج و در نهایت با تجمیع جدول‌ها و دسته‌بندی اطلاعات، یافته‌ها به صورت توصیفی، طبقه‌بندی و تحلیل شدند.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های فراتحلیل پژوهش‌ها در دو بخش اصلی دسته‌بندی شده‌اند. بخش اول به فراتحلیل روش‌شناسی و محتوایی پژوهش‌ها اختصاص داشته و به بررسی روش، ماهیت، میدان مطالعه، موضوع، هدف و ملاحظات نظری پرداخته است. در بخش دوم نیز با فراتحلیل نتایج پژوهش‌ها، شرایط تأثیرگذار بر وضعیت زندگی زنان سرپرست خانوار شناسایی شده است.

فراتحلیل روش‌شناسی و محتوایی پژوهش‌ها

روش: بیشترین روش به‌کاررفته در پژوهش‌ها، روش کمی با ۷۳/۶۴ درصد است. ۲۶/۳۶ درصد از پژوهش‌ها نیز از روش ترکیبی یا کیفی استفاده کرده‌اند. با توجه به اینکه روش‌های کیفی امکان مطالعه تجربه زیسته زنان سرپرست خانوار را فراهم می‌کنند، برای فهم بهتر مسائل آنان، پژوهش‌های کیفی در این زمینه ضرورت خاصی دارد که در پژوهش‌های پیشین چندان توجهی به آن‌ها نشده است.

ماهیت: ۶۴/۵۵ درصد از پژوهش‌های بررسی‌شده ماهیت کاربردی و ۳۵/۴۵ درصد آن‌ها ماهیت بنیادی دارند.

میدان مطالعه: با بررسی میدان مطالعه پژوهش‌ها مشخص شد همه پژوهش‌های انجام‌شده در سطح استانی اجرا شده‌اند. میدان مطالعه ۳۵/۴۶ درصد سازمان بهزیستی و ۲۲/۷۳ درصد کمیته امداد امام خمینی (ره) بوده است. در ۲۱/۸۲ درصد، میدان مطالعه ارگان یا سازمان خاصی نبوده و سعی شده است از همه نقاط شهر مدنظر نمونه‌گیری شود. در مراتب بعدی ۷/۲۷ درصد شهرداری، ۴/۵۵ درصد مؤسسه خیریه، ۴/۵۵ درصد مؤسسه مددکاری، ۰/۹۰ درصد آموزش و پرورش، ۰/۹۰ درصد سپاه پاسداران و ۱/۸۲ درصد در مطالعه اسنادی قرار داشته‌اند. چنانکه مشاهده می‌شود بیشتر پژوهش‌ها فقط به زنان سرپرست خانوار مراجعه‌کننده به مراکز و نهادهای حامی مانند سازمان بهزیستی و کمیته امداد پرداخته‌اند؛ درحالی‌که مسائل اقشار مختلف زنان سرپرست متفاوت است و محدودکردن میدان مطالعه موجب شده است به مسائل بخشی از زنان سرپرست خانوار در پژوهش‌های پیشین کمتر توجه شود.

موضوع: موضوعات پژوهش‌های مورد بررسی در ۹ عنوان دسته‌بندی شده است که به ترتیب شامل وضعیت اجتماعی با ۲۰/۹۱ درصد، وضعیت روان‌شناختی با ۱۸/۱۸ درصد، کیفیت زندگی

با ۱۶/۱۳۷ درصد، توانمندسازی با ۱۳/۶۳ درصد، آسیب‌شناسی با ۹/۰۹ درصد، وضعیت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با ۷/۲۷ درصد، اشتغال زنان سرپرست خانوار با ۶/۶۳۷ درصد، وضعیت اقتصادی با ۵/۵۴۵ درصد و وضعیت فرهنگی با ۲/۷۳ درصد بوده است. همچنین موضوعات پژوهش‌ها براساس سال انجام پژوهش نشان می‌دهد بیشترین پژوهش در زمینه وضعیت اجتماعی زنان سرپرست خانوار به سال‌های ۱۳۸۹ و ۱۳۹۰ مربوط بوده است. پژوهش در حوزه وضعیت روان‌شناختی و کیفیت زندگی زنان سرپرست خانوار نیز از سال ۱۳۸۸ مدنظر قرار گرفته است. همچنین موضوعات توانمندسازی و آسیب‌شناسی زنان سرپرست خانوار بیشتر تا سال ۱۳۹۳ مطالعه شده است. بیشترین پژوهش‌ها در زمینه وضعیت اقتصادی و اشتغال زنان سرپرست خانوار نیز در فاصله زمانی سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۳ انجام شده‌اند. پژوهش‌های بین‌رشته‌ای با موضوعات وضعیت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در سال‌های مختلف پراکندگی دارد. در این میان، کمترین توجه پژوهشگران به پژوهش درباره وضعیت فرهنگی زنان سرپرست خانوار بوده است.

هدف: هدف اصلی پژوهش‌های بررسی‌شده در هفت دسته سنجش اثربخشی متغیرها، سنجش رابطه متغیرها، بررسی وضعیت زندگی زنان سرپرست خانوار، مقایسه گروه‌های مختلف زنان سرپرست خانوار، بررسی پیامد عوامل مرتبط، بررسی عملکرد سازمان‌های حامی و مرور نظریات طبقه‌بندی شده است. هدف اصلی ۳۶/۳۷ درصد از پژوهش‌ها بررسی اثربخشی متغیرهای مختلف اجتماعی، روان‌شناختی و اقتصادی است. در زمینه اجتماعی، تأثیر متغیرهایی مانند حمایت اجتماعی، آموزش گروهی، اعتماد اجتماعی و عضویت در سازمان‌های مردم‌نهاد بر متغیرهایی از قبیل سازگاری اجتماعی، سلامت اجتماعی، رضایت از زندگی و پیشگیری از ارتکاب جرم بررسی شده است. در زمینه روان‌شناختی اثربخشی آموزش‌های مختلف، از قبیل تنظیم هیجان، دلگرم‌سازی، مهارت‌های مقابله‌ای، مدیریت استرس و واقعیت‌درمانی بر متغیرهایی مانند کاهش اضطراب، افسردگی، استرس و احساس تنهایی، افزایش شادکامی و خودکارآمدی بررسی شده است. در زمینه اقتصادی زنان سرپرست خانوار مطالعه شده است. ۲۸/۱۹ درصد از پژوهش‌ها با هدف بررسی رابطه عوامل اجتماعی-روان‌شناختی مانند سرمایه اجتماعی و روانی با متغیرهایی مانند سلامت اجتماعی و روانی، فقر و رفاه انجام شده است. بررسی وضعیت زندگی زنان

سرپرست خانوار نیز هدف ۱۴/۵۵ درصد پژوهش‌ها بوده است. در این پژوهش‌ها، به وضعیت زندگی زنان سرپرست از ابعاد گوناگون اقتصادی، رفاهی، اجتماعی، مسائل فرهنگی، کیفیت زندگی و سلامت پرداخته شده است. هدف ۱۰/۹۰ درصد پژوهش‌های بررسی شده، مقایسه‌های گوناگون میان گروه‌های مختلف بوده است؛ برای نمونه کیفیت زندگی، وضعیت اقتصادی-اجتماعی، بهزیستی روانی و سلامت عمومی زنان سرپرست خانوار با زنان دارای سرپرست، زنان سرپرست خانوار با ازدواج موقت با زنان سرپرست خانوار بدون ازدواج موقت و نیز زنان عضو سازمان بهزیستی با زنان غیرعضو مقایسه شده است. ۶/۳۷ درصد پژوهش‌ها نیز به بررسی پیامد برخی عوامل مرتبط، از جمله توجه به قوانین و مقررات مرتبط با زنان سرپرست خانوار، رسانه ملی، اعتبارات خرد روستایی و تسهیلات اعتباری، برای بررسی جنبه‌های مختلف زندگی زنان سرپرست خانوار مانند کاهش آسیب‌های اجتماعی، توانمندسازی اقتصادی، اشتغال و سلامت پرداخته‌اند. بررسی عملکرد سازمان‌های حامی هدف ۱/۸۱ درصد از پژوهش‌های مورد بررسی بوده است. ۱/۸۱ درصد پژوهش‌ها نیز با هدف مرور ادبیات و نظریه‌های مطرح در حوزه زنان سرپرست خانوار صورت گرفته‌اند.

ملاحظات نظری: ۲۰/۹۱ درصد پژوهش‌های مربوط به زنان سرپرست خانوار، پیشینه نظری ندارد. از پژوهش‌های دارای این پیشینه نیز، ۱۸/۱۸ درصد دارای چارچوب نظری و ۶۰/۹۱ درصد بدون چارچوب نظری بوده‌اند؛ بنابراین با وجود اینکه بیش از ۷۰ درصد پژوهش‌ها با روش کمی صورت گرفته‌اند، بیشتر آن‌ها چارچوب نظری ندارند و تنها تعداد کمی از آن‌ها بر مبنای چارچوب نظری برآمده از نظریه‌های مختلف به بررسی مسائل زنان سرپرست خانوار پرداخته‌اند.

فرا تحلیل نتایج پژوهش‌ها

با توجه به مسئله پژوهش حاضر، نتایج با هدف شناسایی شرایط اثرگذار بر وضعیت زندگی زنان سرپرست خانوار بررسی شده است. همچنین در دو دسته کلی شرایط مؤثر بر کاهش و افزایش مطلوبیت وضعیت زندگی زنان سرپرست خانوار دسته‌بندی شده است.

۱. شرایط مؤثر بر کاهش مطلوبیت وضعیت زندگی زنان سرپرست خانوار: براساس

فرا تحلیل نتایج پژوهش‌ها، شرایط تأثیرگذار بر کاهش مطلوبیت وضعیت زندگی زنان سرپرست خانوار شامل نداشتن امنیت اقتصادی، وضعیت نامطلوب اشتغال، تحصیلات کم، فشار نقش‌های

شغلی و خانوادگی، وضعیت نامطلوب سلامت جسمانی وضعیت نامطلوب سلامت روانی، وضعیت نامطلوب امنیت و سلامت اجتماعی، وضعیت نامطلوب سلامت روانی فرزندان، طرد اجتماعی و چالش‌های عملکردی سازمان‌های مسئول بوده است. این عوامل به همراه مصادیق هر عامل در جدول ۱ آمده است. توجه به این شرایط در پژوهش‌های بررسی شده یکسان نبوده است؛ به این معنا که برخی شرایط از قبیل نداشتن امنیت اقتصادی و وضعیت نامطلوب سلامت روانی در پژوهش‌های بیشتری بررسی شده‌اند و برخی شرایط از جمله فشار نقش‌های شغلی و خانوادگی، وضعیت نامطلوب سلامت روانی فرزندان، طرد اجتماعی و چالش‌های عملکردی سازمان‌های مسئول کمتر مدنظر قرار گرفته‌اند؛ بنابراین ضروری است در پژوهش‌های آتی بیشتر به آن‌ها توجه شود.

جدول ۱. شرایط مؤثر بر کاهش مطلوبیت وضعیت زندگی زنان سرپرست خانوار

مصادیق	عامل
<ul style="list-style-type: none"> - فقر و وضعیت اقتصادی نامطلوب - کمبود امکانات و وسایل زندگی و نداشتن رفاه - سکونت در محله‌های حاشیه‌ای و پایین شهر - نداشتن امنیت غذایی - محرومیت از تأمین نیازهای اساسی 	نداشتن امنیت اقتصادی
<ul style="list-style-type: none"> - وضعیت اشتغال - اشتغال در مشاغل بی‌ثبات و کم‌درآمد 	وضعیت نامطلوب اشتغال
<ul style="list-style-type: none"> - سواد و تحصیلات کم 	تحصیلات کم
<ul style="list-style-type: none"> - اجبار به ایفای هم‌زمان نقش پدری و مادری - نبود حمایت‌های لازم برای جلوگیری از تعارض نقش‌های شغلی و خانوادگی - مسئولیت زیاد 	فشار نقش‌های شغلی و خانوادگی

ادامه جدول ۱. شرایط مؤثر بر کاهش مطلوبیت وضعیت زندگی زنان سرپرست خانوار

عامل	مصادیق
وضعیت نامطلوب سلامت جسمانی	<ul style="list-style-type: none"> - ابتلا به بیماری‌های مزمن - وضع نامطلوب جسمانی - اقدام دیر هنگام برای ارتقای سلامت به دلیل کمبود منابع
وضعیت نامطلوب سلامت روانی	<ul style="list-style-type: none"> - افسردگی - نبود خودباوری - اضطراب - اختلال در کارکرد اجتماعی - وضع نامطلوب سلامت روانی
وضعیت نامطلوب امنیت و سلامت اجتماعی	<ul style="list-style-type: none"> - اضطراب اجتماعی - وضع نامطلوب سلامت اجتماعی - ناامنی بدن - ضعف حمایت اجتماعی - ضعف اعتماد اجتماعی
وضعیت نامطلوب سلامت روانی فرزندان	<ul style="list-style-type: none"> - استرس، اضطراب، افسردگی و دیگر ناآرامی‌های روانی
طرد اجتماعی	<ul style="list-style-type: none"> - احساس بی‌انصافی - احساس نابرابری
چالش‌های عملکردی سازمان‌های مسئول	<ul style="list-style-type: none"> - چالش‌های عملکردی سازمان‌های بهزیستی و کمیته امداد (تعاریف پروبلماتیک، موازی‌کاری نهادها، هدف‌سازی کوتاه‌مدت، غلبه نگرش حمایتی، رواج وابستگی و بی‌تحركی، تلقی ساختاری از فقر، نارسایی اعتبارات خرد، انبساط سازمان و رواج فرهنگ فقر)

۲. شرایط مؤثر بر افزایش مطلوبیت وضعیت زندگی زنان سرپرست خانوار: براساس

فرا تحلیل نتایج پژوهش‌ها شرایط اثرگذار بر افزایش مطلوبیت وضعیت زندگی زنان سرپرست

خانوار شامل توانمندی اقتصادی، آموزش‌های توانمندسازی شغلی، آموزش‌های توانمندسازی روان‌شناختی، آموزش‌های عمومی، خدمات مشاوره‌ای، حمایت خانواده، حمایت‌های اجتماعی، سرمایه اجتماعی و امنیت اجتماعی بوده است. این عوامل به همراه مصادیق هر عامل در جدول ۲ آمده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد، بخش زیادی از پژوهش‌ها به سنجش تأثیر آموزش‌های پرداخته‌اند و نقش عواملی از قبیل حمایت خانواده، حمایت و امنیت اجتماعی کمتر مدنظر پژوهشگران بوده است.

جدول ۲. شرایط مؤثر بر افزایش مطلوبیت وضعیت زندگی زنان سرپرست خانوار

عامل	مصادیق
توانمندی اقتصادی	- طرح‌های درآمدزایی - تلاش برای افزایش درآمد - اعطای تسهیلات اعتباری
آموزش‌های توانمندسازی شغلی	- برنامه‌های آموزشی کارآفرینی - طرح‌های درآمدزایی - اجرای برنامه‌های توانمندسازی
آموزش‌های توانمندسازی روان‌شناختی	- آموزش تنظیم هیجان - آموزش مدیریت استرس - آموزش ابراز وجود - آموزش مهارت‌های مقابله‌ای - آموزش مهارت‌های زندگی - آموزش خود دلگرم‌سازی - آموزش توانمندسازی روان‌شناختی - آموزش شناخت درمانی مبتنی بر الگوی بک - آموزش مهارت‌های اجتماعی - خودآریخشی - مهارت‌های ارتباطی
آموزش‌های عمومی	- آموزش‌های عمومی
خدمات مشاوره‌ای	- مشاوره گروهی
حمایت خانواده	- حمایت خانواده

ادامه جدول ۲. شرایط مؤثر بر افزایش مطلوبیت وضعیت زندگی زنان سرپرست خانوار

عامل	مصادیق
حمایت‌های اجتماعی	- حمایت اجتماعی - حمایت‌های غیررسمی - حمایت ارگان‌های رسمی
سرمایه اجتماعی	- سرمایه اجتماعی شبکه (حمایت مالی، عاطفی، خدماتی و مشارکت اجتماعی)
امنیت اجتماعی	- امنیت مالی - امنیت جانی - امنیت عاطفی - امنیت ارتباطی - احترام اجتماعی

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش حاضر که حاصل فراتحلیل کیفی ۱۱۰ اثر پژوهشی منتخب در حوزه زنان سرپرست خانوار در بازه زمانی ۱۳۸۵-۱۳۹۸ است، در دو بخش فراتحلیل روش‌شناسی و محتوایی و فراتحلیل نتایج پژوهش‌ها ارائه شد. در بخش فراتحلیل روش‌شناسی و محتوایی، روش، ماهیت، میدان مطالعه، موضوع، هدف و ملاحظات نظری پژوهش‌ها بررسی شد. در بخش فراتحلیل نتایج نیز شرایط مؤثر بر وضعیت زندگی زنان سرپرست خانوار براساس پژوهش‌های بررسی شده بیان شد.

فراتحلیل روش‌شناسی پژوهش‌ها نشان می‌دهد بیشتر پژوهش‌ها به روش کمی انجام شده و ماهیت کاربردی داشته‌اند. همچنین همه پژوهش‌ها در سطح استانی اجرا شده‌اند و میدان مطالعه بیشتر آن‌ها سازمان بهزیستی و کمیته امداد امام خمینی (ره) بوده است. ابزار جمع‌آوری اطلاعات نیز در بیشتر پژوهش‌های بررسی شده پرسشنامه بوده است. از جمله خلأهای روش‌شناسی پژوهش‌ها می‌توان به استفاده بسیار کم از روش‌های کیفی و در نتیجه فقدان ارتباط همراه با مصاحبه و مشارکت با سوژه‌ها و فهم عمیق مسائل آنان بر مبنای درک تجربه زیسته این زنان اشاره کرد. همچنین انتخاب سازمان و نهادهای حامی زنان سرپرست خانوار به‌عنوان میدان

مطالعه در بیشتر پژوهش‌ها، بی‌توجهی به اقصای مختلف زنان سرپرست خانوار در انتخاب نمونه‌ها و در نتیجه نادیده گرفته شدن مسائل بخشی از این زنان از خلأهای مهم پژوهش‌های این حوزه بوده است.

بر اساس فراتحلیل محتوایی پژوهش‌ها، بیشتر مطالعات بر بررسی وضعیت اجتماعی، وضعیت روان‌شناختی و کیفیت زندگی زنان سرپرست خانوار متمرکز بوده‌اند. رشته بیشتر پژوهشگران نیز روان‌شناسی، علوم تربیتی و جامعه‌شناسی بوده است. همچنین هدف بیشتر پژوهش‌ها سنجش اثربخشی متغیرهای مختلفی بوده که غالباً روان‌شناختی بوده‌اند. بیشتر پژوهش‌ها چارچوب نظری نداشتند. از جمله خلأهای محتوایی پژوهش‌ها نیز می‌توان به غلبه رویکرد روان‌شناسی در پژوهش‌ها و در نتیجه توجه کمتر به مسئله زنان سرپرست خانوار با سایر رویکردها، از جمله رویکردهای میان‌رشته‌ای اشاره کرد. توجه نداشتن به چالش‌های حقوقی و قانونی از دیگر خلأها در این زمینه بوده است؛ در حالی که بررسی و رفع مسائل و موانع حقوقی در زمینه‌های مختلف نقش مهمی در بهبود وضعیت زندگی زنان سرپرست خانوار دارد. همچنین بی‌توجهی به لایه‌های زیرین و بنیادین عوامل تأثیرگذار بر وضعیت زندگی زنان سرپرست خانوار از دیگر خلأهای پژوهشی در این حوزه است. افزون بر این، در پژوهش‌های موجود عوامل زمینه‌ساز سرپرست شدن زنان و به‌طور خاص عوامل نوظهور به افزایش زنان سرپرست خانوار مانند تجرد قطعی بررسی منجر نشده است. همچنین پرداختن به مسائل گروهی از زنان سرپرست خانوار که به دلیل ناتوانی یا نداشتن صلاحیت همسر برای اداره زندگی، عهده‌دار امور خانواده‌اند، در این پژوهش‌ها بررسی نشده است. تأثیر رویکردهای سیاست‌گذاری نهادهای مرتبط در زمینه حمایت از زنان سرپرست خانوار از دیگر موضوعات مطرح‌نشده در این پژوهش‌هاست. همچنین نداشتن نیازسنجی و در نظر گرفتن سطح‌بندی نیازها، مشخص‌نکردن ابعاد مختلف مسائل و مشکلات و نیز بی‌توجهی به عاملیت و قدرت زنان از دیگر کاستی‌های پژوهش‌های مورد بررسی است.

فراتحلیل نتایج پژوهش‌ها نشان می‌دهد بخش عمده‌ای از یافته‌های پژوهش‌های حوزه زنان سرپرست خانوار در ایران به شرایط اثرگذار بر وضعیت زندگی این زنان ارتباط دارد که به‌عنوان مهم‌ترین عوامل دخیل در آسیب‌پذیر شدن زندگی زنان سرپرست خانوار بیان شده است. شرایط مؤثر بر کاهش مطلوبیت وضعیت زندگی زنان سرپرست خانوار شامل نداشتن امنیت اقتصادی،

وضعیت نامطلوب اشتغال، تحصیلات کم، فشار نقش‌های شغلی و خانوادگی، وضعیت نامطلوب سلامت جسمانی، وضعیت نامطلوب سلامت روانی، وضعیت نامطلوب امنیت و سلامت اجتماعی، وضعیت نامطلوب سلامت روانی فرزندان، طرد اجتماعی و چالش‌های عملکردی سازمان‌های مسئول بوده است. همچنین توانمندی اقتصادی، آموزش‌های توانمندسازی شغلی، آموزش‌های توانمندسازی روان‌شناختی، آموزش‌های عمومی، خدمات مشاوره‌ای، حمایت خانواده، حمایت‌های اجتماعی، سرمایه اجتماعی و امنیت اجتماعی به‌عنوان شرایط مؤثر بر افزایش مطلوبیت وضعیت زندگی زنان سرپرست خانوار شناسایی شدند.

پس از شناسایی شرایط مؤثر بر وضعیت زندگی زنان سرپرست خانوار، با توجه به اینکه یکی از اهداف پژوهش حاضر ارائه راهکارهایی برای کاهش مشکلات و آسیب‌های زنان سرپرست خانوار بوده است، به‌منظور رسیدن به این هدف، بر مبنای شرایط اثرگذار مستخرج از پژوهش‌های مورد بررسی، راهکارهایی در ۹ محور توان‌افزایی اقتصادی، شغلی، جسمانی، روانی، فرهنگی، اجتماعی، حقوقی، فرزندان و سازمانی با هدف کاهش آسیب و بهبود وضعیت زندگی زنان سرپرست خانوار پیشنهاد شد. اولین دسته از راهکارها، راهکارهای توان‌افزایی اقتصادی شامل حمایت‌های مالی، حمایت‌های بیمه‌ای و تأمین مسکن است که با ذکر مصادیق در جدول ۳ به تفصیل آمده است.

جدول ۳. راهکارهای توان‌افزایی اقتصادی زنان سرپرست خانوار

توان‌افزایی اقتصادی	
راهکار	مصادیق
حمایت‌های مالی	- اولویت زنان سالمند و کم‌توان در دریافت حمایت‌های مالی
	- افزایش مستمری مشمولان
	- تأسیس صندوق حمایت از زنان سرپرست خانوار
	- اعطای تسهیلات مالی ویژه (پرداخت وام با سود کمتر و زمان بازپرداخت بیشتر)
حمایت‌های بیمه‌ای	- فراهم کردن شرایط لازم برای بیمه‌شدن زنان سرپرست خانوار
	- تسهیل شرایط بیمه اجتماعی برای زنان سرپرست خانوار
تأمین مسکن	- اعطای تسهیلات مسکن با شرایط ویژه (پرداخت وام با سود کمتر و زمان بازپرداخت بیشتر)

دومین دسته از راهکارها، راهکارهای توان‌افزایی شغلی شامل ارتقای اطلاعات در زمینه اشتغال، آموزش‌های حرفه‌ای برای اشتغال، زمینه‌سازی برای اشتغال باثبات و با درآمد کافی و فراهم‌سازی زمینه کارآفرینی زنان سرپرست خانوار است که با ذکر مصادیق در جدول ۴ به تفصیل آمده است.

جدول ۴. راهکارهای توان‌افزایی شغلی زنان سرپرست خانوار

توان‌افزایی شغلی	راهکار
مصادیق	ارتقای اطلاعات در زمینه اشتغال
فراهم کردن زمینه دسترسی زنان سرپرست خانوار به اطلاعات لازم برای اشتغال	
اولویت قراردادن آموزش مشاغل خانگی درآمدزا	آموزش‌های حرفه‌ای برای اشتغال
آموزش مهارت‌های فنی و حرفه‌ای به زنان سرپرست خانوار	
هدفمند کردن آموزش‌های فنی و حرفه‌ای براساس شرایط منطقه‌ای محل سکونت، علایق، استعداد و امکانات در دسترس افراد	
توسعه مشاغل خانگی درآمدزا	زمینه‌سازی برای اشتغال باثبات و با درآمد کافی
ایجاد شبکه تولید، بازاریابی و فروش محصولات مشاغل خانگی زنان سرپرست خانوار	
اعطای تسهیلات ویژه به زنان سرپرست خانوار برای فراهم کردن امکانات مورد نیاز برای اشتغال	
در اولویت قرار گرفتن زنان سرپرست خانوار در فرصت‌های شغلی و استخدامی	
در نظر گرفتن حمایت‌های تشویقی برای کارفرمایان زنان سرپرست خانوار از قبیل اعطای تسهیلات ویژه و در نظر گرفتن معافیت‌های مالیاتی	
حمایت همه‌جانبه از کارآفرینان و مؤسسات کارآفرینی برای ایجاد مشاغل متناسب با شرایط زنان سرپرست خانوار و به‌کارگیری آنان در این مشاغل	
برگزاری دوره‌های آموزش کارآفرینی برای زنان سرپرست خانوار	فراهم‌سازی زمینه کارآفرینی زنان سرپرست خانوار
اعطای تسهیلات ویژه مالی به کارآفرینان زن سرپرست خانوار	

سومین دسته از راهکارها، راهکارهای توان‌افزایی جسمانی شامل افزایش آگاهی در زمینه بهداشت و سلامت جسمانی، تأمین امنیت غذایی، ترغیب به فعالیت‌های ورزشی و ارائه تسهیلات بیمه درمان است که با ذکر مصادیق در جدول ۵ به تفصیل بیان شده است.

جدول ۵. راهکارهای توان‌افزایی جسمانی زنان سرپرست خانوار

توان‌افزایی جسمانی	راهکارها	مصادیق
افزایش آگاهی در زمینه بهداشت و سلامت جسمانی	افزایش آگاهی در زمینه بهداشت و سلامت جسمانی	- ارائه آموزش‌های رایگان به زنان سرپرست خانوار در زمینه ارتقای بهداشت و سلامت جسمی
تأمین امنیت غذایی	تأمین امنیت غذایی	- حمایت مالی زنان سرپرست خانوار نیازمند با هدف تأمین نیازهای تغذیه‌ای
ترغیب به فعالیت‌های ورزشی	ترغیب به فعالیت‌های ورزشی	- تسهیل استفاده زنان سرپرست خانوار از امکانات باشگاه‌های ورزشی با اعطای بن‌های تخفیفی
ارائه تسهیلات بیمه درمان	ارائه تسهیلات بیمه درمان	- فراهم کردن پوشش بیمه درمان برای زنان سرپرست خانوار و افراد تحت تکفل آنان - تسهیل دسترسی زنان سرپرست خانوار به بیمه تکمیلی از طریق کاهش هزینه حق بیمه برای آنان

چهارمین دسته از راهکارها، راهکارهای توان‌افزایی روانی شامل ارائه آموزش‌های روان‌شناختی و خدمات مشاوره‌ای و مددکاری است که با ذکر مصادیق در جدول ۶ به تفصیل آمده است.

جدول ۶. راهکارهای توان‌افزایی روانی زنان سرپرست خانوار

توان‌افزایی روانی	راهکارها	مصادیق
ارائه آموزش‌های روان‌شناختی	ارائه آموزش‌های روان‌شناختی	- نیازسنجی برای طراحی دوره‌های آموزشی مناسب با توجه به تفاوت‌های گروه‌های مختلف زنان سرپرست خانوار
ارائه خدمات مشاوره‌ای و مددکاری	ارائه خدمات مشاوره‌ای و مددکاری	- برگزاری کارگاه‌ها و دوره‌های آموزشی و مهارتی رایگان ویژه زنان سرپرست خانوار با هدف ارتقای سلامت روانی
ارائه خدمات مشاوره‌ای و مددکاری	ارائه خدمات مشاوره‌ای و مددکاری	- ارائه خدمات مشاوره‌ای و مددکاری رایگان برای زنان سرپرست خانوار

پنجمین دسته از راهکارها، راهکارهای توان‌افزایی فرهنگی شامل ارتقای آگاهی‌ها و سطح تحصیلات زنان سرپرست خانوار است که با ذکر مصادیق در جدول ۷ آمده است.

جدول ۷. راهکارهای توان‌افزایی فرهنگی زنان سرپرست خانوار

توان‌افزایی فرهنگی	راهکار	مصادیق
ارتقای آگاهی‌های زنان سرپرست خانوار		- نیازسنجی آگاهی‌های مورد نیاز زنان سرپرست خانوار
		- برگزاری کارگاه‌ها و دوره‌های آموزشی رایگان در زمینه‌های مختلف متناسب با نیازهای گروه‌های مختلف زنان سرپرست خانوار
ارتقای سطح تحصیلات زنان سرپرست خانوار		- تشویق زنان سرپرست خانوار به ادامه تحصیل
		- برگزاری کلاس‌های سوادآموزی متناسب با شرایط زنان سرپرست خانوار

ششمین دسته از راهکارها، راهکارهای توان‌افزایی اجتماعی شامل تقویت شبکه‌های حمایتی خانوادگی و محلی، استفاده از ظرفیت سازمان‌های مردم‌نهاد، افزایش سرمایه اجتماعی زنان سرپرست خانوار و ارتقای آگاهی اجتماعی نسبت به این زنان است که با ذکر مصادیق در جدول ۸ آمده است.

جدول ۸. راهکارهای توان‌افزایی اجتماعی

توان‌افزایی اجتماعی	راهکار	مصادیق
تقویت شبکه‌های حمایتی خانوادگی و محلی		- فرهنگ‌سازی برای تقویت شبکه حمایت خانوادگی و بستگان
		- تمرکز بر برنامه‌های حمایتی محله‌محور و اجتماعات کوچک محلی
		- به‌منظور کاهش آسیب‌های اجتماعی زنان بی‌سرپرست
		- در اولویت قراردادن مناطق حاشیه‌نشین شهرها و روستاها برای اجرای برنامه‌های محله‌محور به‌منظور پیشگیری از بروز آسیب‌های اجتماعی
		- فرهنگ‌سازی برای حمایت خانواده‌ها از زن سرپرست خانوار به‌عنوان شخصیت مستقل
- رفع موانع و تسهیل شرایط برای ازدواج مجدد زنان سرپرست خانوار		

ادامه جدول ۸. راهکارهای توان‌افزایی اجتماعی

توان‌افزایی اجتماعی	راهکار
مصادیق	راهکار
<ul style="list-style-type: none"> - ارائه تسهیلات تشویقی و حمایتی برای تشکیل و گسترش سازمان‌های مردم‌نهاد به منظور حمایت و خدمات‌رسانی به زنان سرپرست خانوار با هدف ارتقای توانمندی زنان در زمینه‌های مختلف - حمایت از ایجاد و توسعه تشکلهای غیردولتی توسط زنان سرپرست خانوار و فرزندان آنان - افزایش اطلاعات زنان سرپرست خانوار در زمینه خدمات حمایتی سازمان‌های مردم‌نهاد - ایجاد انگیزه در زنان سرپرست خانوار برای بهره‌مندی از خدمات سازمان‌های مردم‌نهاد 	<p>استفاده از ظرفیت سازمان‌های مردم‌نهاد</p>
<ul style="list-style-type: none"> - افزایش تعداد گروه‌های همیار زنان سرپرست - تقویت روابط پایدار، نهادی‌شده و شبکه‌ای در میان زنان سرپرست خانوار با توسعه فعالیت‌های تعاونی، گروهی و زنجیره‌ای 	<p>افزایش سرمایه اجتماعی زنان سرپرست خانوار</p>
<ul style="list-style-type: none"> - آگاه‌سازی جامعه از مسائل و مشکلات زنان سرپرست خانوار با رسانه‌های گروهی به ویژه صداوسیما - حمایت از تولیدات فرهنگی در زمینه مشکلات زنان سرپرست خانوار از قبیل فیلم‌های سینمایی و مستند 	<p>ارتقای آگاهی اجتماعی نسبت به زنان سرپرست خانوار</p>

هفتمین دسته از راهکارها، راهکارهای توان‌افزایی حقوقی شامل افزایش آگاهی‌های حقوقی، اصلاح و توسعه قوانین حمایتی و فراهم کردن زمینه استیغای حقوق زنان سرپرست خانوار است که با ذکر مصادیق در جدول ۹ آمده است.

جدول ۹. راهکارهای توان‌افزایی حقوقی

توان‌افزایی حقوقی	راهکار
مصادیق	راهکار
<ul style="list-style-type: none"> - تدوین و توزیع کتابچه‌های آموزشی قوانین مربوط به زنان سرپرست خانوار به منظور فراهم کردن زمینه بهره‌مندی از حمایت‌های قانونی - تسهیل دسترسی زنان سرپرست خانوار به مشاوره حقوقی 	<p>افزایش آگاهی‌های حقوقی</p>

ادامه جدول ۹. راهکارهای توان‌افزایی حقوقی

توان‌افزایی حقوقی	راهکار	مصادیق
اصلاح و توسعه قوانین حمایتی	- بررسی قوانین مرتبط با زنان سرپرست خانوار، اصلاح قوانین موجود و رفع خلأهای قانونی به منظور توسعه حمایت از زنان سرپرست خانوار و توانمندسازی آنان	
فراهم ساختن زمینه استیفای حقوق زنان سرپرست خانوار	- تقویت ضمانت اجرای قوانین حمایتی - اصلاح و تسهیل رویه‌های قضایی به منظور استیفای حقوق زنان سرپرست خانوار	

هشتمین دسته از راهکارها، راهکارهای توان‌افزایی فرزندان شامل توان‌افزایی روانی، تحصیلی و حرفه‌ای فرزندان است که با ذکر مصادیق در جدول ۱۰ آمده است.

جدول ۱۰. راهکارهای توان‌افزایی فرزندان

توان‌افزایی فرزندان	راهکار	مصادیق
توان‌افزایی روانی فرزندان	- برگزاری کارگاه‌ها و دوره‌های آموزشی و مهارتی رایگان ویژه فرزندان زنان سرپرست خانوار با هدف ارتقای سلامت روانی	
توان‌افزایی تحصیلی فرزندان	- ارائه خدمات مشاوره‌ای رایگان با هدف رفع مشکلات و کاهش آسیب‌های فرزندان	
توان‌افزایی حرفه‌ای فرزندان	- ارائه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای به فرزندان به منظور توان‌افزایی شغلی	

نهمین دسته از راهکارها، راهکارهای توان‌افزایی سازمانی شامل ارتقای کارآمدی سازمانی، برنامه‌ریزی دقیق و جامع و اصلاح نحوه حمایت‌های سازمانی است که با ذکر مصادیق در جدول ۱۱ به تفصیل آمده است.

جدول ۱۱. راهکارهای توان‌افزایی سازمانی

توان‌افزایی سازمانی	راهکار
مصادیق	
- تمرکز مسئول برنامه‌ریزی و هماهنگی برنامه‌های توانمندسازی در یک سازمان - تقسیم مسئولیت اجرایی برنامه‌های توانمندسازی میان سازمان‌های مختلف، با رویکرد هم‌پوشانی حداقلی و بهره‌گیری حداکثری از ظرفیت تخصصی و اجرایی هر سازمان	ارتقای کارآمدی سازمانی
- ایجاد و به‌روزرسانی منظم بانک اطلاعاتی زنان سرپرست خانوار برای تدوین برنامه‌ها	برنامه‌ریزی دقیق و جامع
- در نظر گرفتن تفاوت‌های زنان سرپرست خانوار براساس شاخص‌های علت سرپرستی، سن، تحصیلات، پایگاه اقتصادی-اجتماعی، قومیت، فرهنگ و منطقه جغرافیایی در برنامه‌ریزی‌ها	
- پایش مداوم اثربخشی برنامه‌های اجرا شده و ارزیابی نتایج و اصلاح برنامه‌ها	اصلاح نحوه حمایت‌های سازمانی
- اصلاح شیوه‌شناسایی و بررسی شرایط مشمولان دریافت حمایت با رویکرد حفظ عزت و کرامت افراد	
- تمرکز رویکردهای حمایتی بر توانمندسازی همه‌جانبه زنان سرپرست خانوار	

منابع

- احمدنیا، شیرین و آتنا کامل قالیباف (۱۳۹۶)، «زنان سرپرست خانوار در تهران: مطالعه کیفی تجربیات، چالش‌ها و ظرفیت‌های آن‌ها»، *رفاه اجتماعی*، شماره ۶۵: ۱۰۳-۱۳۷.
- افشانی، علیرضا و الهام فاتحی (۱۳۹۵)، «توانمندی زنان سرپرست خانوار و عوامل اجتماعی- فرهنگی مرتبط با آن: مطالعه زنان زیر پوشش کمیته امداد امام خمینی (ره) شهر تبریز»، *زن و جامعه*، شماره ۲۷: ۱۹-۳۸.
- دربان آستانه، علیرضا، رضوانی، محمدرضا، قدیری معصوم، مجتبی و بهرام حاجری (۱۳۹۸)، «تحلیل فضایی پراکنش زنان سرپرست خانوار مورد حمایت کمیته امداد در سطح کشور و ارتباط آن با متغیرهای اجتماعی و اقتصادی»، *زن و جامعه*، شماره ۲: ۱۶۹-۱۹۳.
- دغاقله، عقیل و سمیرا کلهر (۱۳۸۹)، *آسیب‌های شهری در تهران: وندالیسم، دختران فراری، زنان سرپرست خانوار و تکدی‌گری*، تهران: جامعه‌شناسان.
- شیرکوه محمدی، سید علی‌نقی، خرازی، کمال، کاظمی‌فرد، محمد و جواد پورکریمی (۱۳۹۵)، «مدیریت آموزش چندفرهنگی در مدارس ایران: فراتحلیلی کیفی»، *مدیریت مدرسه*، شماره ۲: ۸۷-۱۰۷.
- صادقی، علی‌اکبر (۱۳۸۸)، «زنان سرپرست خانوار و آسیب‌های اجتماعی و فردی پیش‌روی آن‌ها»، *مجموعه مقالات دومین همایش توانمندی زنان و توان‌افزایی زنان سرپرست خانوار*، تهران: شهرداری تهران، اداره کل امور بانوان.
- علی‌اکبری صبا، روشنگر (۱۳۹۶)، «زنان سرپرست خانوار دارای همسر و مشخصه‌هایی از ازدواج آن‌ها»، *آمار*، شماره ۱: ۱۰-۱۳.
- قربانی، فریدون، انصاری، حمید و رضاعلی محسنی (۱۳۹۸)، «فراتحلیل نیازها و اولویت‌های زندگی زنان سرپرست خانوار با رویکرد جامعه‌شناختی»، *رفاه اجتماعی*، شماره ۷۲: ۵۵-۹۸.
- نازکتابار، حسین و رضا ویسی (۱۳۸۶)، «وضعیت اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی زنان سرپرست خانوار استان مازندران»، *رفاه اجتماعی*، شماره ۲۷: ۹۵-۱۱۴.
- Dar, T. B., and Singh, R. (2018), "Working Conditions of Female-Headed Households in Jammu and Kashmir with Special Reference to District Budgam", *International Journal of Research and Review*, No. 9: 154-163.
- Dunga, H. M. (2020), "An Empirical Analysis on Determinants of Food Security among Female-Headed Households in South Africa", *The International Journal of Social Sciences and Humanity Studies*, No. 1: 66-81.

- Klasen, S., Lechtenfeld, T., and Povel, F. (2015), "A Feminization of Vulnerability? Female Headship, Poverty, and Vulnerability in Thailand and Vietnam", **World Development**, No. 71: 36-53.
- Mengesha, G. S. (2017), "Food Security Status of Peri-Urban Modern Small Scale Irrigation Project Beneficiary Female Headed Households in Kobo Town, Ethiopia", **Journal of Food Security**, No. 6: 259-272.
- Montoya, Á. J. A., and Teixeira, K. M. D. (2017), "Multidimensional Poverty in Nicaragua: Are Female-Headed Households Better off", **Social Indicators Research**, No. 3: 1037-1063.
- Mwawuda, G. W., and Nyaoke, S. O. (2015), "Poverty and Food Security Among Female-Headed Households in Kenya: The Case of Nyatike Constituency, Migori County, Western Kenya. Pathways to African Feminism and Development", **Journal of African Women's Studies Centre**, No. 2 :1-10
- Tibesigwa, B. Visser, M., Hunter, L., Collinson, M., and Twine, W. (2015), "Gender Differences in Climate Change Risk, Food Security and Adaptation: A Study of Rural Households' Reliance on Agriculture and Natural Resources to Sustain Livelihoods", **Economic Research Southern Africa**, No. 545: 1-31.